

## بانوگشسب‌نامه

بانوگشسب‌نامه از جمله منظومه‌های حماسی پس از شاهنامه فردوسی و یکی از قدیم‌ترین روایات حماسی ایران متعلق به حلقه روایات سیستان است که به توصیف دلاوری‌های بانوگشسب، دختر رستم، می‌پردازد. این اثر شکل منظوم و تکامل یافته قصه شفاهی کهنی بازمانده از عصر پیش‌اسلامی و «تنها مجموعه‌ای است که شخصیت اصلی داستان‌هایش پهلوان‌بانویی مردافکن و گردن‌کش است» (آیدنلو، ۱۳۸۴: ۳۴). این منظومه حماسی در قالب مثنوی و در بحر متقارب مثنی سروده شده است.

تاریخ دقیقی برای سرایش این اثر وجود ندارد. برخی پژوهشگران از جمله ژول مول و ذبیح‌الله صفا این منظومه را متعلق به سده پنجم و آغاز سده ششم می‌دانند (رک: صفا، ۱۳۸۳: ۲۴۵) اما به استناد تحقیقاتی که درباره منظومه‌های حماسی وجود دارد و با توجه به ویژگی منظومه بانوگشسب‌نامه «می‌توان این حماسه را سروده پس از سال ۵۲۰ ق. یعنی سال تألیف مجمل‌التواریخ والقصص دانست، زیرا در این کتاب از منظومه بانوگشسب‌نامه به عنوان مأخذ نامی برده نشده است» (کراچی، ۱۳۸۲: ۱۴).

هویت سراینده این منظومه نیز تاکنون نامعلوم مانده است و در هیچ یک از نسخ موجود از این منظومه، نامی از سراینده و یا کاتب وجود ندارد. اما از آنجا که این منظومه به همراه منظومه فرامرزنانه در نسخه‌ای با هم آمده‌اند و در چاپ سنگی هم همین ترتیب رعایت شده است، احتمال می‌رود که ناظم این دو منظومه یک فرد و از اهالی فیروزآباد فارس باشد. به استناد ابیاتی در متن منظومه چنین برمی‌آید که سراینده آن مسلمان و بر مذهب شیعه بوده است (همان: ۱۹-۱۸).

طبق بررسی‌های ثبت شده در فرهنگ *ولف*، نام بانوگشسب در شاهنامه سه بار و با عناوین دختر رستم و همسر گیو آمده است (Wolff. 1965: 112 ذیل Bānūgušasp)، اما در قسمتی از پاورقی کتاب فرهنگ *نام‌های شاهنامه* (رستگار فسایی، ۱۳۷۹: ۱۵۷) اشاره شده است که بانوگشسب، خواهر رستم است.

اسم بانوگشسب ترکیبی است از بانوک+گشن+اسب (Banuk+gušn+asp) به معنی بانوی دارنده اسب نر و جهنده. ظاهراً نام اصلی او مهین‌دخت بوده است و بانوگشسب، لقبی بوده است که رستم به خاطر شجاعت و جنگاوری به او داده بود.

منظومه بانوگشسب نامه طبق نسخه اساس و نیز متن تصحیح شده آن مشتمل بر ۱۰۳۲ بیت است. سیر حوادث داستان، بدون مقدمه از دوران جوانی بانو شروع می شود و با ازدواج او به پایان می رسد.

در آغاز منظومه بر اساس بن مایه سپردن فرزند شاه یا پهلوان ارشد به پهلوان شایسته واجد مقام پایین تر برای تربیت جسمانی و معنوی شاهزاده-پهلوان، رستم تربیت پسرش، فرامرز، را به بانوگشسب می سپارد تا آداب جنگ و شکار را به او بیاموزد. روایت تفویض این مأموریت به بانو از جانب رستم، بر مقام بانو به عنوان یک پهلوان باتجربه و هنرمند صحنه می گذارد. سپس شرح دلآوری های بانوگشسب در پی می آید؛ به ویژه کشتن شیری که در تعقیب گوری (شاه پریان) است. گور ناگهان در هیأت جوانی قدبلند و زیبارو ظاهر می گردد و برای قدردانی از بانو، سوزن نگاری را به او می آموزد (بانوگشسب نامه، ۱۳۸۲: ۵۸-۵۶).

در ادامه به نبرد ناآگاهانه بانوگشسب با رستم اشاره شده است؛ پس از آنکه بانوگشسب و فرامرز بدون توجه به نصیحت زال، هر روز برای شکار به صحرای رغو در مرز توران می روند، زال از رستم می خواهد که فرزندان را تنبیه کند. رستم با پوشش مبدل و نقاب و به طور ناشناس به نبرد با بانوگشسب و فرامرز می رود، اما به سبب طولانی شدن نبرد ادامه جنگ به فردا موکول می شود. روز بعد پس از نبردی جان فرسا بانوگشسب با شمشیر دست رستم را زخمی و نقابش را پاره می کند و پدر و دختر یکدیگر را بازمی شناسند (همان: ۸۶-۶۱).

منظومه با داستان عاشقانه-رزمی شیده و بانوگشسب ادامه می یابد؛ بانوگشسب و فرامرز با اجازه رستم برای شکار به صحرای توران می روند و با لشکر تورانیان به سپهداری شیده، پسر افراسیاب، روبرو می شوند. شیده شیفته بانو می شود و چون هیچ کس تدبیری برای این موضوع نمی یابد، شیده از درد عشق ممنوعه تصمیم به خودکشی می گیرد. خبر به افراسیاب می رسد و او فرصت می خواهد تا بتواند پسر را به مراد دل برساند. تمرتاش، پهلوان دربار افراسیاب، در مقابل وعده ثروت و گنج و ولایت از جانب پادشاه آماده جنگ با بانو و اسیر کردن و آوردن او نزد شاهزاده می شود، اما او نیز به محض دیدن بانو، عاشق شده و ابراز عشق می کند. بانو از گستاخی تمرتاش بسیار خشمگین شده و پیکر او را به دو نیم می کند. شیده با دیدن ضرب دست بانو از عشق او رویگردان می شود (همان: ۱۰۶-۸۶).

در ادامه آمده است که با رسیدن آوازه زیبایی بانوگشسب به هند، چیپور و چیپال و رای شیفته بانو می شوند و با نامه نوشتن به زال، بانو را خواستگاری می کنند. رستم با تدبیری هوشمندانه شرط مبارزه رویاروی را مطرح می کند تا از دشمنی شاهان هندی با ایران جلوگیری کند. در جنگ، بانوگشسب چیپور را می کشد، چیپال را به زمین می زند و رای با دیدن پهلوانی های بانو فرار می کند و سرافکننده به زال پناه می برد (همان: ۱۱۳-۱۰۸).

در قسمت پایانی منظومه به ماجرای ازدواج بانوگشسب اشاره شده است. پهلوانان ایرانی در مجلسی مشغول خوش گذرانی هستند. پس از میگساری و غالب شدن مستی از زیبایی‌های بانوگشسب سخن به میان می‌آید و هر کس از عشق جگرسوز خود به او دم می‌زند. بین آنها جنگ و نزاع درمی‌گیرد. کیکاووس رستم را به حضور می‌طلبد تا تدبیری بیندیشد. رستم چون می‌داند هیچ‌کس توانایی مقابله با بانو را ندارد شرطی را مطرح می‌کند؛ بدین ترتیب که خواستگاران باید روی فرشی بنشینند. رستم فرش را می‌تکاند و هرکس را که روی فرش بماند به دامادی خود برمی‌گزیند. در این آزمون گیو پیروز می‌شود و پس از یک هفته شادی، بانو و گیو به عقد هم درمی‌آیند، اما بانوگشسب در شب عروسی دست و پای گیو را می‌بندد و به گوشه‌ای می‌اندازد. پس از برخورد خشن بانو با گیو گودرز، پدر گیو، به گلایه نزد رستم می‌رود. رستم نزد بانوگشسب می‌رود و با لحنی آرام او را به سازش با شوهر نصیحت می‌کند. بانو نصیحت پدر را می‌پذیرد و رستم تا چهل روز در سیستان بزم برپا می‌کند (بانوگشسب‌نامه، ۱۳۸۲: ۱۲۸-۱۱۵). در نهایت منظومه با اشاره به متولد شدن بیژن از آن دو پهلوان یل به پایان می‌رسد.

مجموع بررسی‌ها حول محور شخصیت بانوگشسب در متون گوناگون نشان می‌دهد که «در مجمل‌التواریخ و القصص با اینکه چند بار از بانوگشسب نام برده شده است، در آغاز کتاب و هنگام برشمردن منظومه‌های پس از شاهنامه، با بانوگشسب‌نامه ذکری نیست» (آیدنلو، ۱۳۸۸: ۱۶). همچنین در دیگر منظومه‌های حماسی از جمله فرامرزنامه، بهمن‌نامه، شهریارنامه و زرین‌قبانامه روایات متفاوتی از پهلوانی‌های بانوگشسب و دلاوری‌های او در میدان نبرد نقل شده است.

در بهمن‌نامه ایران‌شاه بن ابی‌الخیر دوران پختگی و میانسالی بانوگشسب به نظم درآمده است؛ «پهلوانی مقتدر، خردمند، انتقام‌جو، فرزانه و هم‌پیکار مردان که برای دلیری‌ها و رایزنی‌هایش، هفتاد بار نامش در بهمن‌نامه آمده است» (کراچی، ۱۳۸۱: ۱۸۱). در این منظومه دختران رستم به همراه پهلوانان سیستان به جنگ بهمن می‌روند و او را عقب می‌رانند، اما بهمن بر آنها پیروز می‌شود و این دو خواهر به کشمیر می‌گریزند. در نهایت بانوگشسب و زربانو به چنگ بهمن می‌افتند و راهی سیستان می‌شوند.

«در انتهای فرامرزنامه و جنگ با بهمن هفت بار نام بانوگشسب، خواهر فرامرز، در هم‌رزمی و مشورت با او تکرار می‌شود و آخرین بار زمانی است که فرامرز به دست بهمن کشته شده و خواهران به سوگ برادر نشسته‌اند؛ این بخش از روایت فرامرزنامه و بهمن‌نامه شباهت دارد» (کراچی، ۱۳۸۲: ۲۲). در شهریارنامه نیز حکایت از پهلوانی‌های بانوگشسب است؛ پهلوان سیاه‌پوشی که به طور ناشناس به جنگ شهریار می‌رود.

بانوگشسب‌نامه با توجه به گذشت زمان و تحت تأثیر عوامل مختلف اجتماعی، فرهنگی و... با اندکی تغییر و اهدافی تازه، در روایات شفاهی متأخر نمود بارزی داشته است؛ روایات شفاهی بخش‌های بیشتری از داستان

بانو را حفظ کرده یا در نقاط خلأ، داستان را با الهام از بن‌مایه‌های رایج حماسی یا داستان‌های مشهور پرورش داده است تا متنی کامل‌تر نسبت به منظومه ارائه دهد.

از آن‌جا که روایت منظوم بانوگشسب‌نامه ناقص به دست ما رسیده است، نقالان و داستان‌پردازان در مجموعه روایات شفاهی عامیانه و مردمی، سعی کرده‌اند نقص‌های آن را تکمیل کنند و «با ساختن روایت تولد بانوگشسب و نیز چگونگی مرگ او - که ظاهراً تقلیدی از سرانجام کار کیخسرو و کشته شدن چند تن از پهلوانان ایران به زیر برف در شاهنامه است - خواسته‌اند بی‌آغاز و فرجام بودن بانوگشسب‌نامه منظوم را جبران کنند» (آیدنلو، ۱۳۸۴: ۴۰).

در روایات شفاهی دختر رستم با نام‌هایی از جمله گلنسا، گرشصت بانو، گشسب، بانوخانم و بانوگشی معرفی شده است. در *مجمعل‌التواریخ و القصص* اشاره شده است که «رستم را از خاله شاه کیقباد، فرامرز بزاد و [همچنین] بانوگشسب و زربانو و ایشان سخت دلاور و مبارز بودند» (بهار، ۱۳۱۸: ۲۵). همچنین اشاره شده که تولد بانوگشسب و فرامرز پس از مرگ سهراب بوده است (فردوسی‌نامه، ۱۳۶۹: ۱۳۰/۱؛ کوهمره سرخی<sup>۱</sup>، ۱۳۹۰: ۱۵۱-۱۵۰).

داستان ازدواج بانوگشسب در روایات شفاهی تنوع بسیاری دارد و بیشترین حجم روایات را به خود اختصاص داده است که نشان دهنده اهمیت این موضوع در متون مختلف شفاهی است. در این روایات کاووس شاه نیز از جمله خواستگاران بانوگشسب است (فردوسی‌نامه، ۱۳۶۹: ۹۷/۱، ۷۲/۲) و برخلاف متن منظوم، بانوگشسب خود برای ازدواج با پهلوانان شروطی را مطرح می‌کند (همان: ۱۶۷/۱-۱۶۶، ۷۴/۲). در روایتی دیگر رستم حق انتخاب را به خود بانو واگذار می‌کند تا بین نودریان و گودرزیان اختلافی پیش نیاید (طومار کهن شاهنامه، ۱۳۷۴: ۴۰۶/۱).

همچنین در روایات شفاهی شروط و آزمون‌های ازدواج متنوع است. در همه این روایات آزمون فرش یکی از شروط اصلی ازدواج است و به موارد دیگری از جمله انداختن بانو و رستم از روی فرش توسط خواستگار، آزمون کمان‌کشی، پنجه انداختن، کشتی، بستن دست و نشستن بر روی چهارپایه نیز اشاره شده است (ر.ک: طومار شاهنامه فردوسی، ۱۳۸۰: ۵۲۹-۵۲۸؛ هفت لشکر، ۱۳۷۷: ۲۰۲-۲۰۱؛ طومار کهن شاهنامه، ۱۳۷۴: ۴۰۷/۱؛ فردوسی‌نامه، ۱۳۶۹: ۱۷۵/۱-۱۶۵، ۷۶/۲-۷۱).

وجه تمایز روایت کوهمره سرخی (۱۳۹۰: ۱۵۵) با دیگر روایات شفاهی در این مورد، ناتوانی رستم و کمک گرفتن او از زال و چاره‌جویی زال از طریق رفتن به کوه بی‌م و آتش زدن پر سیمرخ است. در این روایت

<sup>۱</sup> برای سهولت بیان، عنوان مقاله "آمیزش اسطوره و حماسه در روایتی دیگر از بانوگشسب‌نامه" که داستان را از زبان مردم منطقه کوهمره سرخی بیان می‌کند، به روایت "کوهمره سرخی" تغییر داده شد.

سیمرغ شرط نشستن پهلوانان بر روی فرش را بیان می‌کند که البته با رعایت آدابی از جانب رستم امکان‌پذیر خواهد بود. همچنین در این روایت بانوگشی صاحب هفت پسر می‌شود که مغایر با متن منظوم است.

با توجه به کم اهمیت بودن سرنوشت پهلوان بانو پس از ازدواج، «از پایان زندگی بانوگشسب هیچ‌گونه اطلاعی در دست نیست و در هیچ‌یک از روایات حماسی ذکری از آن نرفته است» (کراچی، ۱۳۸۲: ۵۰). در برخی روایات شفاهی به پایان زندگی بانوگشسب اشاره شده است، البته نه به عنوان یک فرجام مستقل، بلکه به عنوان تکمله‌ای برای سرنوشت زال در این متون، که خود تقلیدی از فرجام کار کیخسرو و مدفون شدن چند تن از پهلوانان شاهنامه در زیر برف بوده است (ر.ک: طومار شاهنامه فردوسی، ۱۳۸۰: ۱۲۰/۱-۱۱۹۹؛ فردوسی‌نامه، ۱۳۶۹: ۱۴۸/۱-۱۴۷؛ طومار کهن شاهنامه، ۱۳۷۴: ۹۵۹/۲-۹۵۸).

بانوگشسب‌نامه تنها منظومه حماسی به زبان پارسی است که قهرمان آن یک زن است. «تصویر یگانه بانویی خالی از رفتارهای قالبی زنانه چون نرم‌خویی، لطافت، عشق‌آفرینی و افسون‌کنندگی و تصویری بدیع که با نقش کلیشه‌ای زن در ادبیات فارسی تفاوت دارد» (کراچی، ۱۳۸۲: ۱۱). این منظومه سندی ارزنده برای تصویر مطلوب یک زن-قهرمان در فرهنگ طبقه نخبه و حاکم جامعه ایرانی در سده‌های پیشین بوده است.

بر این اساس پژوهش‌های متعددی با محوریت داستان بانوگشسب نگارش یافته‌اند؛ از جمله می‌توان به مقاله‌های «بانوگشسب پهلوان بانوی حماسه‌های ایران» روح‌انگیز کراچی (۱۳۸۱) و «مهمین دخت بانوگشسب سوار» سجاد آیدنلو (۱۳۸۴) اشاره کرد که به معرفی منظومه حماسی بانوگشسب‌نامه و بررسی آن از جنبه‌های مختلف عمدتاً متنی و محتوایی پرداخته‌اند؛ نیز می‌توان از مقاله‌های «بررسی همسنج جدال بر سر تصاحب زن در دو اثر حماسی بانوگشسب‌نامه و ایلید» ابراهیم استاجی و علی صادقی‌منش (۱۳۹۵)، «بررسی شواهد وضعیت اجتماعی زنان در متون منتخب ادب فارسی؛ شاهنامه، بانوگشسب‌نامه، خسرو و شیرین، گل و نوروز» آزاده مختارنامه و همکاران (۱۳۹۵) و پایان‌نامه «بررسی جلوه‌های ادبیات پایداری در زنان پهلوان بانوگشسب‌نامه و سمک عیار و مقایسه آن با زنان دفاع مقدس» عاطفه شکیبا (۱۳۹۴) در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه شاهد نام برد که عمدتاً یا رویکرد محتوایی-توصیفی به اثر داشته‌اند یا ظرفیت‌های اسطوره‌شناختی-روان‌شناختی منظومه را تحلیل و تأویل کرده‌اند. هم‌چنین پایان‌نامه‌ای دیگر با عنوان «بررسی تطبیقی و تحلیل شخصیت زن-قهرمان در بانوگشسب‌نامه و حماسه‌های شفاهی» از نگارنده این سطور (۱۳۹۷) به مقایسه داستان منظوم و روایات شفاهی بانوگشسب‌نامه پرداخته و تفاوت‌های ادبیات کلاسیک و فرهنگ طبقه نخبه جامعه را در تقابل با فرهنگ و ادبیات عامیانه، در نوع نگاه آنها به داستانی با محوریت شخصیت قهرمان زن نشان داده است.

منظومه بانوگشسب‌نامه در حوزه واژگان، دستور، صنایع ادبی و توصیف‌ها متأثر از شاهنامه است. «زبان بانوگشسب‌نامه همانند دیگر مثنوی‌های حماسی ساده و روان است و در آن واژه‌ها و ترکیبات کهن زبان

فارسی استفاده شده است. عناصر سامی در این داستان به ندرت وجود دارد و یکی از دلایل اصالت و قدمت آن همین است» (کراچی، ۱۳۸۲: ۳۴).

از بانوگشسب‌نامه شش دستنویس موجود است:

- نسخه دستنویس پاریس به نشانه S.P ۴۹۸/۳، شامل سه منظومه فرامرزنانه، جهانگیرنامه و بانوگشسب‌نامه (در ۲۹ صفحه و ۹۸۷ بیت)؛
- نسخه دستنویس کتابخانه بودلیان (آکسفورد انگلستان) به نشانه ۲۸/۲ اوزلی، شامل پنج منظومه اعتقادنامه، قصه بانوگشسب‌نامه به نثر، رام‌یشت، قصه بانوگشسب‌نامه به نظم (در ۲۲ صفحه و ۸۰۲ بیت) و یوسف و زلیخا؛
- نسخه دستنویس کتابخانه بودلیان (آکسفورد انگلستان) به نشانه ۲۵۴۴/۵، شامل پنج منظومه سام-نامه، کک کوهزاد، بهمن‌نامه، برزونا، و بانوگشسب‌نامه (در ۱۳ صفحه و ۶۱۲ بیت)؛
- نسخه دستنویس کتابخانه بودلیان (آکسفورد انگلستان) به نشانه ۳۰/۲ اوزلی، شامل آبان‌یشت، بانوگشسب‌نامه (در ۲۱ صفحه و ۴۳۴ بیت)، مارنامه، انتخاب شعر، تحفه‌الادوار و دیوان عاقل خان؛
- چاپ سنگی فرامرزنانه، بمبئی، ۱۳۲۴ق. بخش نخست کتاب شامل سرگذشت بانوگشسب است (صفحات ۲۵ تا ۷۶ در ۱۰۳۸ بیت)؛
- نسخه دستنویس زتنبیگ از روی نسخه پاریس به شماره ۴۷۲۰ کتابخانه عمومی استراسبورگ فرانسه.

همچنین نسخه‌ای در کتابخانه موزه بریتانیا شامل هفت منظومه‌گرشاسب‌نامه، سام‌نامه، کک کوهزاد، پتیاره، فرامرزنانه، برزونا، و بانوگشسب‌نامه موجود است که فقط دو صفحه از آن باقی مانده است (کراچی، ۱۳۸۲: ۵۰-۴۷).

منظومه ۱۰۳۲ بیتی بانوگشسب‌نامه بر اساس نسخه پاریس و مقابله با پنج دستنویس دیگر به کوشش روح‌انگیز کراچی در سال ۱۳۸۲ به چاپ رسیده است.

#### منابع:

- آیدنلو، سجاد. (۱۳۸۴). "مهین‌دخت بانوگشسب سوار". کتاب ماه ادبیات و فلسفه، شماره ۹۳، صص ۳۴-۴۵.

- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷). "چند بن‌مایه و آیین مهم ازدواج در ادب حماسی ایران". *دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد*. سال ۴۱، شماره ۱۶۰، صص ۲۳-۱.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸). *متون منظوم پهلوانی: برگزیده منظومه‌های پهلوانی پس از شاهنامه*. تهران: سمت.
- ابی‌الخیر، ایرانشاه. (۱۳۷۰). *بهمن‌نامه*. ویراسته رحیم غفیفی. تهران: علمی و فرهنگی.
- استاجی، ابراهیم؛ صادقی‌منش، علی. (۱۳۹۵). "بررسی همسنج جدال بر سر تصاحب زن در دو اثر حماسی بانوگشسب‌نامه و ایلید". *ادبیات تطبیقی*، سال ۸، شماره ۱۴، صص ۲۳-۴۶.
- افشاری، مهران؛ مدائینی، مهدی. (۱۳۷۷). *هفت لشکر (طومار جامع نقالان)*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- انجوی شیرازی، ابوالقاسم. (۱۳۶۹). *فردوسی‌نامه*. ۳ ج، تهران: علمی.
- *بانوگشسب‌نامه*. (۱۳۸۲). تصحیح روح انگیز کراچی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- رستگار فسایی، منصور. (۱۳۷۹). *فرهنگ نام‌های شاهنامه*. ۲ ج، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ریاحی زمین، زهرا؛ جبارہ ناصرو، عظیم. (۱۳۹۰). "آمیزش اسطوره و حماسه در روایتی دیگر از بانوگشسب‌نامه". *ادب پژوهی*، شماره ۱۸، صص ۱۷۰-۱۴۵.
- سعیدی، مصطفی؛ هاشمی، احمد. (۱۳۸۰). *طومار شاهنامه فردوسی*. ۲ ج، تهران: خوش‌نگار.
- صداقت نژاد، جمشید. (۱۳۷۴). *طومار کهن شاهنامه فردوسی*. ۲ ج، تهران: دنیای کتاب.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۸۳). *تاریخ ادبیات ایران*. جلد ۱، تهران: فردوس.
- *فرامرزن‌نامه*. (۱۳۲۴ق). به کوشش رستم پسر بهرام بن سروش تفتی. چاپ سنگی، بمبئی: فیض‌رسان.
- کراچی، روح انگیز. (۱۳۸۱). "بانوگشسب، پهلوان‌بانوی حماسه‌های ایران". *پژوهشنامه علوم انسانی*، شماره ۳۳، صص ۱۹۰-۱۷۹.
- *مجم‌التواریخ والقصص*. (۱۳۱۸). تصحیح محمدتقی بهار. تهران: چاپخانه خاور.
- مختارنامه، آزاده؛ واردی. زرین‌تاج. (۱۳۹۵). "بررسی شواهد وضعیت زنان در متون منتخب ادب فارسی (شاهنامه، بانوگشسب‌نامه، خسرو و شیرین، گل و نوروز)". *زن و جامعه*، سال ۷، شماره ۱، صص ۱۰۱-۱۲۱.
- مختاری غزنوی، عثمان بن عمر. (۱۳۷۷). *شهریارنامه*. تصحیح غلامحسین بیگدلی. تهران: پیک فرهنگ.

- موسایی، معصومه. (۱۳۸۶). "بانوگشسب‌نامه و اسطوره آرتمیس". *زبان و ادب*، شماره ۳۱، صص ۱۰۸-۱۲۱.

- Wolff, Fritz. (1965). *Glossar Zu Firdosis Schahname*. Germany.

نرگس مولوی